

تجزیه و تحلیل چگونگی ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی

محمد جواد توکلی*

دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

tavakoli@iki.ac.ir

چکیده

نظریه‌های توسعه به طور معمول ارزش خشی، فنی، تحلیلی و علمی قلمداد می‌شوند. در این مقاله به بررسی چگونگی ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی می‌پردازیم. با به فرضیه مقاله که به روش تحلیلی بررسی شده، ارزش‌ها در قالب تحلیل ارزشی و ارزش داوری وارد نظریه‌های توسعه و پیشرفت شده و موجب تمایز آن‌ها می‌شوند. تحلیل ارزشی عمدتاً حاکی از ارزیابی نقش ارزش‌ها در مسیر دستیابی به توسعه و پیشرفت است. در مقابل، ارزش داوری حاکی از قضاوت ارزشی نظریه پردازان به دو صورت ارزش داوری معرفتی و اخلاقی (ارزش داوری آرمانی و سیاستی) است. ارزش داوری معرفتی حاکی از جهت‌گیری ارزشی محقق اقتصاد توسعه و پیشرفت در تدوین نظریه است. مهم‌ترین بخش ارزش داوری اخلاقی در اقتصاد توسعه و پیشرفت، ارزش داوری آرمانی شامل تعریف توسعه، تعیین و تعریف اهداف آن، رتبه‌بندی اهداف، تدوین شاخص‌های آن و همچنین تعیین استانداردهای رفتار اقتصادی مطلوب در قالب فروضی همچون عقلانیت اقتصادی است. ارزش داوری سیاستی نیز حاکی از توصیه به اصلاحات ساختاری و برنامه‌ای برای دستیابی به توسعه و پیشرفت است. هرچند ارزش‌های اخلاقی به عنوان فرض وارد نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌شود، در ادامه مورد قضاوت ارزشی قرار گرفته و مبنای توصیه ارزشی اقتصاددانان قرار می‌گیرد. بر اساس چهار چوب تحلیلی ارائه شده، تمایز میان

مقدمه

یکی از مباحث مهم در زمینه نظریه‌های توسعه، چگونگی اثربازی آن‌ها از ارزش است. اقتصاددانان توسعه به طور معمول تلاش کردند تا برای علمی جلوه دادن نظریه‌های خود آن را ارزش‌خنثی (value free) بدانند. میرالدال^۱ یکی از نظریه‌پردازان بر جسته اقتصاد توسعه است که در اوایل دوره علمی خود، تلاش زیادی برای خالی کردن نظریه‌های اقتصاد توسعه از ارزش کرد، در دوره دوم علمی خود، به نافرجام بودن این تلاش اذعان کرد و در نهایت به اقتصاددانان توسعه توصیه نمود که ارزش‌های خود در نظریه را تصریح کنند.

هرچند در ادبیات اقتصاد توسعه به ابعادی از ورود ارزش‌ها در نظریه‌های توسعه پرداخته شده، ابعاد موضوع به روشی تبیین نشده است. در این زمینه سوالات زیادی مطرح است. گذشته از ابهام درباره دامنه ارزش‌باری نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت، این سوال مطرح است که ارزش به چه مفهومی و از چه کانال‌هایی وارد این نظریه‌ها می‌شود. آیا رابطه‌ای بین ارزش‌های اقتصادی و اخلاقی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت وجود دارد؟ چه تفاوتی بین ارزش‌باری نظریه‌های اقتصاد توسعه در اقتصاد متعارف و اسلامی وجود دارد؟ آیا تمایز در ارزش‌ها می‌تواند باعث تمایز نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی می‌شود؟

برای تجزیه و تحلیل چگونگی ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی، با استفاده از روشی تحلیلی پس از بررسی پیشینه تحقیق، ابتدا به بررسی رابطه نظریه‌های اقتصاد توسعه و ارزش می‌پردازیم. در ادامه به مفهوم‌شناسی ارزش در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت و سپس سخن‌شناسی ورود ارزش در این نظریه‌ها می‌پردازیم. در ادامه بحث به تبیین دو زمینه تحلیل ارزشی، و ارزش‌داری اخلاقی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت می‌پردازیم. ترسیم مراحل

1. Myrdal.

ارزش داوری در نظریه‌های توسعه و پیشرفت و در نهایت توجه به تمایزات ارزشی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت و کارکردهای آن پایان‌بخش مقاله است.

۱. پیشینهٔ تحقیق

در زمینهٔ چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی تحقیقات پردازنهای صورت نگرفته است. در ادامه به برخی آثار در این زمینه و از جمله آثار در مورد ورود ارزش در نظریه‌های اقتصادی اشاره می‌شود:

توكلی در مقاله «چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی» علاوه بر تحلیل مفهوم ارزش و تمایز بین ارزش اقتصادی، معرفتی و اخلاقی، به بررسی رابطه ارزش‌ها و فروض، ساختارها و سیاست‌ها می‌پردازد. در این مقاله بین ارزش‌های آرمانی، رفتاری، ساختاری و سیاستی تفکیک شده است (توكلی، ۱۴۰۰ ب).

توكلی و رفیعی پیشوری ورود ارزش در نظریه‌های اقتصاد اسلامی را از مسیر تعیین اهداف، ساختارها و معیارهای رفتاری و سیاست‌های دانسته‌اند (توكلی و رفیعی پیشوری، ۱۳۹۹، ۲۱-۱۳).

زرقا انتخاب پیش‌فرض‌ها، موضوع، متغیرها، روش، معیار تأیید و آزمون را مسیرهای ورود ارزش‌ها در تحلیل‌های اقتصادی می‌داند. وی برای این مسیرها مصادیقی چون عدم پذیرش فرض کمیابی در اقتصاد اسلامی، توجه به انگیزه‌های اخلاقی و معنوی انسان اقتصادی و برجسته کردن رفتارهای نوع دوستانه معرفی می‌کند (زرقا، ۱۳۸۲، ص ۱۱۶-۱۱۹).

یوسفی ارتباط ارزش‌ها با علم اقتصاد را با تفکیک مرحله گردآوری پدیده و سوزه مورد مطالعه و مرحله قضاوت و داوری درباره مدل تبیین می‌کند (یوسفی، ۱۳۷۵).

سبحانی ضمن توجه به تأثیر ارزش‌ها در ایجاد واقعیات عینی، امکان بررسی علمی واقعیت مستقل از ارزش‌هارا می‌پذیرد. به نظر ایشان علم اقتصاد در هیئت فعلی، نتیجه ارزش‌های نهفته در واقعیات اجتماعی خاص با جهان‌بینی خاص است (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۵۷).

زربیاف علم اقتصاد متعارف را به خاطر حذف جایگاه ارزش‌ها در روش‌شناسی خود مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی قضاوت ارزشی در اقتصاد را گریزن‌پذیر می‌داند (زربیاف، ۱۳۸۷، ص ۵۹). مک‌لاب ورود ارزش‌ها در اقتصاد را از کanal ارزش‌داوری عاملان اقتصادی، اقتصاددانان و متقدیان تحلیل اقتصادی ترسیم می‌کند (مک‌لاب، ۱۳۸۱).

نوآوری این مقاله در مقایسه با آثار پیشین در تفکیک بین انواع ارزش‌داوری در نظریه‌های

اقتصاد توسعه و پیشرفت و تبیین چگونگی ورود ارزش‌ها در این نظریه‌هاست. از دستاوردهای این تفکیک طرح ایده تمایز نظریه‌های اقتصاد توسعه و اقتصاد پیشرفت بر اساس تمایز در ورود ارزش‌هاست.

۲. رابطه نظریه‌های اقتصاد توسعه و ارزش

میردال در اوایل زندگی علمی خود تلاش زیادی کرد تا نظریه‌های اقتصاد توسعه را از ارزش‌ها خالی کند، ولی وی در نیمة دوم زندگی علمی خود به غیرممکن بودن این تلاش پی برد. او در نهایت توصیه کرد اقتصاددانان پیش‌فرض‌های نظری و ارزشی خود را به صراحت بیان کنند و تلاش کنند دچار سوگیری نامریبوط نشوند. وی رویکرد قدیمی خود را تجربه‌گرایی خام^۱ می‌نامد (دایکما، ۱۳۹۲، ص. ۴۱۹).

میردال معتقد است درک واقعیات مسبوق به داشتن دیدگاهی نظری (نظریه‌باری) و همراه با ارزش‌داری (ارزش‌باری) است. از نظر او، ارزش‌گذاری‌ها از آغاز تا پایان در نظریه رسوخ می‌کنند. ارزش‌گذاری‌ها در تعیین رویکرد تحقیق، تعریف مفاهیم، چگونگی مشاهده و نحوه ارائه نتایج مؤثرند (Myrdal, 1972: P.162). وی در تحلیل ارزش‌باری نظریه‌های توسعه می‌نویسد: «در بسیاری از تحقیقات اقتصادی کشورهای فقیر از زاویه دید منافع نظامی و سیاسی غرب و یا پوشش حفاظت در مقابل کمونیسم نگریسته شده است» (Idem, 1968: P.13). وی این نحوه نگاه به کشورهای فقیر را مطلوب نمی‌داند. کشورهای فقیر مایل‌اند به مسائلشان از دریچه منابع و ارزش‌گذاری‌های خودشان نگریسته شود. به نظر او، محقق توسعه باید در برخورد با ارزش‌ها روند زیر را دنبال کند:

- ارزش‌گذاری‌ها را تا سرحد آگاهی تعالی دهد (ارزش‌های پنهان منشأ انحراف و تورش است)؛
- ارزش‌گذاری‌ها را از نظر موضوعیت، اهمیت و عملی بودن بررسی کند؛
- ارزش‌گذاری‌ها را به قضایای ارزشی مشخص برای تحقیق تبدیل کند؛
- در چهارچوب قضایای ارزشی، رویکرد و مفاهیم را تعریف کند (دایکما، ۱۳۹۲، ص. ۴۲۵-۴۲۴).

هرچند میردال با این توصیه‌ها سعی در افزایش خودآگاهی محققان درباره ارزش‌های مورد پذیرش در نظریه و پرهیز از تورش دارد، خود دچار تورش می‌شود. به اعتقاد او، در برنامه‌ریزی توسعه باید ارزش‌های بومی ملک قرار گیرد؛ با وجود این، وی استفاده از ارزش‌های مدرن نخبگان

را توصیه می‌کند (Myrdal, 1968: P.54). او می‌پذیرد که ارزش‌های مدرن رنگ و بوی غربی دارند، ولی معتقد است که این ارزش‌ها اکنون به اعتقاد رسمی مردم جنوب آسیا بدل شده‌اند (Dykema, 1986: P.147-163).

دایکما (۱۹۸۶) ضمن نقد رویکرد میرdal معتقد است که وی کاملاً **شیفتۀ میراث عصر روش‌گری** شده است. به نظر او، میرdal این نکته را توضیح نمی‌دهد که چرا ارزش‌های برتر در جامعهٔ غرب به صورت اتفاقی به ارزش‌های آرمانی جنوب آسیا بدل شده است؟ آیا این امر بدین دلیل نیست که تحصیل کرده‌های جنوب آسیا از غرب تقدیمه فکری می‌شوند؟ میرdal دلیلی بر این ادعا نمی‌آورد که مشروعيت این ارزش‌ها در ارتباط با ویژگی‌های بومی کشورهای جنوب آسیا حاصل شده باشد (دایکما، ۱۳۹۲، ص ۴۲۸).

میرdal در تحلیل خود، با نوعی پارادوکس در زمینهٔ پذیرش ارزش‌های بومی از یکسو و ضروری دانستن ارزش‌های نوگرایی از سوی دیگر مواجه می‌شود؛ وی می‌گوید: اگر مخالفت ارزش‌های سنتی با آرمان‌های نوگرایی مانع توسعه است و باید از سر راه برداشته شود (همان). وی به رغم در نظر گرفتن خاستگاه عاطفی برای ارزش‌ها و عدم امکان ارزیابی آن‌ها در علم، سه دلیل بر برتری ارزش‌های مدرنیزاسیون بر ارزش‌های سنتی ارائه می‌کند:

- ارزش‌های سنتی ماهیتی ایستاده، باعث تحول نمی‌شوند و ناگزیر به رکود می‌انجامند؛
- آرمان‌های مدرنیزاسیون ماهیتی پویا و پیشرو داشته و این ویژگی برای توسعهٔ اقتصادی ضروری است؛

- زمانی که ارزش‌های سنتی را قادری به سطوح ارزش‌های برتر ارتقا دهیم، غالباً تفاوت و تضاد چندانی با ارزش‌های نوگرایی ندارند (همان، ص ۴۲۹).

هرچند استدلال اخیر، میرdal را قادر می‌کند که به ارزش‌های سنتی وفادار بماند، بسیاری از ارزش‌های عامیانه موجود را در زمینه‌ساز رکود می‌داند (همان). میرdal ارزش‌های اقلیت نخبگان و طبقات بالای اجتماعی را زمینه‌ساز توسعه می‌داند (Myrdal, 1970: P.417). او تحمیل ارزش‌های گروه اقلیت نخبگان بر اکثریت را با توجه پذیرش رویکرد پدرسالارانه در دولت رفاه مطرح می‌کند (دایکما، ۱۳۹۲، ص ۴۳۰). از نظر میرdal، انسان برتر (ناجی) نهادها را می‌سازد و نهادها به انسان شکل می‌دهند. انسان عادی متأثر از محیط است، در حالی که انسان ناجی غالب بر محیط و سازنده آن است. انسان برتر ملهم و متأثر از آرمان‌های روشنگری و اصول علمی اجتماعی است و به همین دلیل می‌تواند ناجی باشد (همان، ص ۴۳۱).

دنیس گولت^۱ با رد رویکرد ارزشی میرdal، حق مردم عادی نسبت به هویت فرهنگی، تعریف توسعه و چگونگی کنترل فرایند توسعه را می‌پذیرد. از نظر او، میرdal از دولت‌ها می‌خواهد که اقدامات سختی برای ایجاد انسجام عاطفی^۲ مردم یعنی هماهنگ کردن ارزش‌های انسانی با آرمان‌های نوگرایی را اتخاذ کنند. به نظر گولت، ارزش‌های سنتی عقلایی بوده و نیازی به تغییر آن‌ها نیست (همان، ص ۴۳۱-۴۳۲). وی برخلاف میرdal معتقد است توسعه باید ابزاری برای عینیت بخشیدن به توانمندی‌های بشر یا تعالی بشر^۳ و نه ابزاری برای تغییر ارزش‌های آن‌ها باشد (Goulet, 1981: ۵). از نظر گولت برای دستیابی به توسعه باید اشکال مختلف عقلانیت غیرمدرن محترم شمرده شود. در مقابل، میرdal تنها ارزش‌های مدرنیزاسیون را باعث توسعه می‌داند (Myrdal, 1965: ۸۹۴).

۳. مفهوم‌شناسی ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

واژه ارزش (معادل value در انگلیسی و معادل «القيمة» در عربی) به مفهوم بها، قیمت، قدر، منزلت و خوب اخلاقی به کار رفته است. ارزش که در مفهوم عامش حاکی از امور مطلوب و پسندیده است، می‌تواند گستره وسیعی از سلاطیق، ترجیحات، خصلت‌ها و گرایش‌های فردی یا هنجارهای اجتماعی را شامل شود.

اقتصاددانان عمدتاً از ارزش‌های مصرفی و مبادله‌ای سخن می‌گویند. با وجود این، ارزش‌های اخلاقی همچون عدالت و برابری هم مورد توجه اقتصاددانان قرار دارد. آن‌ها به صورت ضمنی و در قالب مباحث روش‌شناسی اقتصاد درگیر بحث از ارزش معرفتی نیز می‌شوند. هرچند مطلوبیت یا پسندیدگی عنصر مشترک در کاربردهای متفاوت ارزش است، عناصر دیگری نیز در آن دخیل است. در ارزش مصرفی، توان یک چیز برای برطرف کردن نیاز نیز موضوعیت دارد. در ارزش مبادله‌ای، کمیابی نیز از مقومات ارزش است. در ارزش اخلاقی نیز علاوه بر مطلوبیت عناصر دیگری همچون شایستگی طلب و خردمندانه بودن نیز دخیل است (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳).

هنگامی که از ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت سخن می‌گوییم، دغدغه اصلی اقتصاددانان ارزش مصرفی و مبادله‌ای نیست، بلکه توجه عمدۀ به ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی است که در ادامه تبیین خواهد شد.

-
1. Dennis Goulet.
 2. Emotional integration.
 3. Human ascent.

۴. سنخ‌شناسی ورود ارزش در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت مکلاپ در مقاله تحلیلی خود، ورود ارزش‌ها در اقتصاد را در قالب دوازده مورد تبیین می‌کند (جدول ۱). موارد دوازده‌گانه مورد اشاره مکلاپ را می‌توان در سه دسته زیر جای داد:

جدول ۱. چگونگی ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی از نگاه مکلاپ

۱. در مدل‌های اقتصادی فرض می‌شود تصمیم‌گیرندگان خود اقتصادی (خانوارها و مدیران شرکت‌ها) از ویژگی‌های ارزشی خاصی از جهت سلیقه، ترجیحات، مطلوبیت‌ها و چگونگی واکنش به تغییر در فرصت‌ها بهره‌منداند.
۲. رفتار افراد به عنوان تصمیم‌گیرندگان خرد سیاسی (چه فردی، چه گروهی)، تابع ارزش‌های خاصی می‌باشد.
۳. رفتار گروه‌های اجتماعی (مبلغان، مدیران مدارس، احزاب,...) تابع ارزش‌های خاصی است.
۴. هنجارهای قانونی و اخلاقی ارزش‌هایی می‌باشند که بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند.
۵. رفتار دولت (مسئولان اجرایی و قانون‌گذاران) تحت تأثیر ارزش‌های خاص خود است.
۶. ارزش‌های مورد قبول متقاضیان تحلیل‌های اقتصادی بر تحلیل‌ها و سیاست‌های پیشنهادی اقتصاددانان مؤثر است.
۷. اقتصاددانان در ترسیم تابع رفاه اجتماعی که مبنای سیاست‌گذاری است، ارزش‌های سمبولیک ملت، جامعه جهانی و یا جوامع محلی را مفروض می‌گیرند.
۸. ارزش‌های اقتصاددانان به عنوان یک تحلیل‌گر در انتخاب موضوع تحقیق، مسائل مورد تحلیل و فضیله‌های موردن آزمون مؤثراند.
۹. ارزش‌های اقتصاددانان به عنوان یک تحلیل‌گر در انتخاب تکنیک‌ها و روش‌های تحلیل، چگونگی وزن دهنده به شواهد مؤثر است.
۱۰. ارزش‌های اقتصاددانان به عنوان یک تحلیل‌گر در انتخاب اصطلاحات، پذیرش داده‌های آماری و اندازه‌گیری شاخص‌ها (مانند محاسبه شاخص تولید ملی بر حسب قیمت بازاری با مفروض گرفتن توزیع درآمد) مؤثر است.
۱۱. ارزش‌های اقتصاددانان به عنوان مشاور در جایگزینی قضاوت‌های ارزشی خود به جای ارزش‌های واقعی جامعه مؤثر است.
۱۲. ارزش‌های اقتصاددانان به عنوان یک مشاور، در استفاده وی از داده‌های نامناسب یا ساختگی، کاربرد روش‌های محاسباتی ناقص، و دادن شواهد غلط مؤثر است.

الف) ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی به‌واسطه تأثیر ارزش‌های فردی و اجتماعی:

亨جارها) بر رفتار تصمیم‌گیرندگان اقتصادی (موارد ۱ تا ۴)؛

ب) ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی از کanal ارزش‌های مورد قبول متقاضیان تحلیل‌های

اقتصادادی (مورد ۵):

ج) ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی از طریق ارزش‌های مورد قبول خود اقتصاددانان به عنوان تحلیلگر یا اقتناع‌کننده (موارد ۶ تا ۱۲) (مک‌لاب، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹-۱۷۱).

با توجه به دو دسته ب و ج، ارزش‌های سه گروه تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و سیاسی، مشتریان اقتصاددانان و خود اقتصاددانان بر نظریات اقتصادی اثر می‌گذارند.

تحلیل مک‌لاب را می‌توان به شکلی سازمان یافته‌تر و با تفکیک میان مبانی ارزشی - ارزش‌ها، تحلیل ارزشی - ارزش داوری، ارزش داوری معرفتی و اخلاقی و ارزش داوری ابزاری و غیرابزاری بسط داد.

۱-۴. مبانی ارزشی در برابر ارزش‌ها

مبانی ارزشی اقتصاد توسعه و پیشرفت حاکی از رویکرد آن درباره مقولاتی همچون هستی‌شناسی ارزش و مکاتب ارزشی است. پذیرش ناواقع‌گرایی در هستی‌شناسی ارزش می‌تواند گاه زمینه‌ساز پذیرش پلورالیسم ارزشی یا نسبت‌گرایی ارزشی و گاه باعث سوگیری ارزشی همانند ترجیح ارزش‌های نوسازی بر ارزش‌های بومی (Myrdal, 1968: P.54) و توصیه به درونی‌سازی آن‌ها باشد (Dykema, 1986: P.147-163).

پذیرش مکاتب مختلف ارزشی نیز می‌تواند بر نظریه‌های توسعه و پیشرفت به خصوص در رتبه‌بندی اهداف اثربازار باشد. برای نمونه، رویکردهای مطلوبیت‌گرا مستلزم آن هستند که هنگام رتبه‌بندی اهداف توسعه، مطلوبیت کل را در نظر بگیریم. در مقابل، با پذیرش مکاتب حق‌گرا، نمی‌توان در فرایند توسعه و پیشرفت، منافع یک گروه را فدای منافع اکثریت جامعه کرد.

۲-۴. تحلیل ارزشی در برابر ارزش داوری

ورود ارزش‌هادر نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت می‌تواند شکل ارزش داوری یا تحلیل ارزشی داشته باشد. در تحلیل ارزشی، ارزش به عنوان متغیر تحلیلی وارد نظریه می‌شود، ولی ارزش داوری حاکی از قضاوت ارزشی است. برای نمونه، یک اقتصاددان توسعه ممکن است صرفه‌جویی را مطلوب بداند (قضاوت ارزشی) و این دیدگاه را با تأثیر مثبت آن بر رشد عادلانه مستدل کند (تحلیل ارزشی).

۳-۴. ارزش داوری ابزاری و غیرابزاری

اقتصاداددان توسعه و پیشرفت ممکن است درگیر ارزش داوری ابزاری یا غیرابزاری شوند. هنگامی که

اقتصاددانی از پرداخت یارانه طرفداری می‌کند، ارزشمندی یارانه، نه به خاطر خود، بلکه به خاطر آن است که ابزاری برای رسیدن به ارزش عدالت است. البته قضاوت در مورد ارزشمندی یارانه فقط به تأثیر آن بر تحقق هدف وابسته نیست، بلکه ممکن است خود ابزار نیز مورد قضاوت ارزشی قرار گیرد. برای نمونه، اگر بپذیریم هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، نظریه پرداز توسعه ممکن است یک روش دستیابی به توسعه را با توجه به عوارض جانبی اش (مانند تخریب محیط‌زیست یا فرهنگ بومی) رد کند. با توجه به وجود روش‌های مختلف برای دستیابی به یک هدف یا مجموعه اهداف، انتخاب یک شیوه و بی‌توجهی به سایر گزینه‌های ممکن نوعی ارزش‌داوری است (مانند غلبه توصیه به سیاست‌های قیمتی، نه اصلاح ساختاری).

۴-۴. ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی

ارزش‌داوری در نظریه پردازی اقتصاد توسعه و پیشرفت قابل تفکیک به ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی است. این دو به ترتیب حاکی از اثرباری نظریه از ارزش‌های معرفتی و اخلاقی است. مراد از ارزش‌داوری معرفتی، ارزش‌داوری در مورد معرفت مورد قبول است که بر تعیین موضوع و روش مطالعه علمی اثرگذار است. ارزش‌داوری معرفتی می‌تواند به واسطه ارزش‌های مورد پذیرش اقتصاددانان یا قضاوت ارزشی سفارش‌دهنگان تحلیل اقتصادی باشد. ارزش‌داوری اخلاقی در نظریه توسعه اقتصادی نیز حاکی از قضاوت در مورد خوب و بد رفتارها (مانند عقلانیت)، موقعیت‌ها (مانند تعادل)، ساختارها، استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه است. ارزش‌داوری اخلاقی شامل ارزش‌داوری آرمانی وضعیتی (اهداف و شاخص‌های توسعه و پیشرفت)، ارزش‌داوری آرمانی رفتاری (استاندارد رفتاری مطلوب)، ارزش‌داوری سیاستی ساختاری (ساختارهای اقتصادی مطلوب) و ارزش‌داوری سیاستی برنامه‌ای (برنامه‌های توسعه و پیشرفت) می‌شود.

جدول ۲. انواع ارزش‌داوری در اقتصاد توسعه و پیشرفت

سوال ارزش محور	محورهای ارزش داوری	نوع ارزش داوری
چه نظریه توسعه‌ای قابل قبول است؟	ملک معرفت معتبر	معرفتی
چه هدفی باید دنبال شود؟	اهداف، رتبه‌بندی اهداف، شاخص‌بندی	وضعیتی
چه استانداردهای رفتار اقتصادی مطلوب در فرایند توسعه	استانداردهای رفتار اقتصادی مطلوب در فرایند توسعه	رفتاری
چه ساختارهای اقتصادی مطلوب در فرایند توسعه	ساختاری	آرمانی
چه برنامه‌ای برای دستیابی به اهداف دنبال کنیم؟	برنامه‌ای	سیاستی
توصیه برنامه‌ای برای تحقق اهداف دنبال کنیم؟	توسعه و پیشرفت	روزگار

۵. تحلیل ارزشی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت

تحلیل ارزشی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت هنگامی رخ می‌دهد که ارزش بخشی از تحلیل توصیفی یا علیٰ قرار می‌گیرد. در ادامه نمونه‌هایی از آن ارائه می‌شود:

- گسترش عدالت به رشد اقتصادی کمک می‌کند.

- گسترش معنویت باعث تقویت رشد و عدالت اقتصادی می‌شود.

- هنجارهای اجتماعی می‌توانند دستیابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی را تسهیل کنند.

در نمونه‌های بالا، بین دو ارزش عدالت و رشد اقتصادی و همچنین بین سه ارزش معنویت، رشد و عدالت اقتصادی ارتباط برقرار شده است. قضاووت صورت گرفته از نوع قضاووت ارزشی یا ارزش داوری نیست، بلکه از سخن تحملیل ارزشی است. این بدان معناست که نظریه‌پرداز نمی‌گوید که عدالت خوب است، یا رشد اقتصادی خوب است، بلکه می‌گوید بین این دو ارزش ارتباط وجود دارد؛ اگر شما برای تحقق عدالت تلاش کنید، اقدامات شما بر تحقق رشد اقتصادی نیز اثر مثبت دارد. گزاره سوم پیشنهادی، حاکی از رابطه بین هنجارهای اجتماعی و توسعه و پیشرفت است.

نهادگرایان تأثیر ارزش‌ها بر توسعه را در قالب کارکرد فرهنگ و هنجارها مطرح کرده‌اند. در تحلیل چهار مرحله‌ای ویلیامسون، هنجارهای فرهنگی به عنوان بالاترین سطح نهادی بر رفتارها و عملکرد اقتصادی اثربخش ایست (Williamson, 2000). داکلاس نورث، اثر هنجارها را در قالب قواعد غیررسمی حاکم بر رفتار در کنار قواعد رسمی (قانون) ارزیابی می‌کند. از نظر نورث، هنجارهای اخلاقی به عنوان محدودیت‌های غیررسمی «از جمله شرایط لازم (ونه کافی) برای عملکرد اقتصادی مناسب می‌باشند. جوامعی که در آن هنجارهای سازگار با رشد اقتصادی وجود دارد می‌تواند در مواردی باعث توسعه شود حتی زمانی که قواعد سیاسی ناپایدار و معکوسی حاکم باشد. مسئله اساسی این است که قدرت اثربخشی معکوس قواعد سیاسی چه میزان است» (North, 1993: P.7-8).

ساموئل هانتینگتون^۱ تفاوت غنا و کره جنوبی در توسعه بین سه دهه ۱۹۶۰-۱۹۹۰ را به تفاوت فرهنگی نسبت می‌دهد: «کره جنوبی ارزش زیادی برای صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری، کار سخت، آموزش، سازمان‌ها و نظم قائل شد. ارزش‌های غنا کاملاً متفاوت بود» (هانتینگتون، ۱۳۸۳، ص ۲۷-۲۸). اقتصاددانانی همچون آمارتیا سن، بارد جبرگرایی فرهنگی، در کنار توجه به تفاوت در نظام آموزشی به وضعیت جغرافیایی نیز توجه می‌کنند (سن، ۱۳۷۸).

هنجارهای اجتماعی می‌توانند از کanal گسترش همکاری اجتماعی و خیرخواهی پیشرفت اقتصادی را تسهیل کنند (Bicchieri, 2005; Eriksson, 2015).

1. Samuel P. Huntington.

سواری مجانی در تراژدی ذخایر مشترک جلوگیری کنند (توكلی، ۱۳۹۷). سادجن، الیکسون و اسرام به تحلیل عوامل شکل‌گیری هنجار همکاری پرداخته‌اند (فوکویاما، ۱۳۸۳، ص ۲۱۹-۲۲۳). همچنین کاشوئیک باسو در تجزیه و تحلیل توصیه‌های اقتصاددانان توسعه به مقوله اخلاقیات مشروط در تعاملات کشورها در اموری همچون مقابله با مخاطرات زیست محیطی توجه می‌کند (باسو، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲-۱۰۶).

۶. ارزش‌داوری معرفتی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت

ارزش‌داوری معرفتی می‌تواند بر تصمیم‌بر انجام تحقیق، انتخاب موضوع تحقیق، روش تحقیق و کاربرد پژوهش و حتی محتوای نظریه تأثیرگذار باشند (Stenmark, 2005a & 2005b). منظور از ارزش‌های معرفتی، ارزش‌هایی همچون دقت در پیش‌بینی، دامنه، وحدت‌بخشی، قدرت تبیینی، سادگی و همبستگی یک نظریه با سایر نظریه‌های علمی است که به صدق نظریه مربوط می‌شود (یغمائی، ۱۳۹۴). برای نمونه، پژوهشگر به واسطهٔ غلبهٔ فرمالیسم و ریاضی‌زدگی، استفاده از مدل و روش‌های اقتصادستنجدی را در نظریهٔ خود ضروری می‌پنداشد؛ امری که حتی ممکن است از توان واقع‌نمایی آن بکاهد. همچنین برای محقق اقتصاد پیشرفت، ارزیابی اثر اخلاق و معنویت بر پیشرفت اقتصادی اهمیت دارد؛ امری که در مطالعات اقتصاد توسعه حاشیه‌ای است.

مخالفه‌های معرفت‌شناسختی می‌تواند باعث شود که نظریه‌پرداز به همهٔ عوامل مؤثر بر توسعه و پیشرفت توجه نکند. در این زمینه، مخالفه «توسعه فقط یک علت دارد»، باعث شده است که برخی تنها توسعه را به ایناشت سرمایه‌مادی نسبت دهند، گروهی بر اهمیت سرمایه انسانی و اجتماعی تأکید کنند؛ برخی فرهنگ را برجسته کنند و گروهی نیز در مورد نقش دولت اغراق کنند (آدلمن، ۱۳۸۲، ص ۱۴۹-۱۳۶). نگاه مکانیکی به توسعه و تلقی الگوی توسعه به مثابه یک فناوری نیز باعث شده است که الگوی توسعه نوعی فناوری عاری از ارزش‌داوری تلقی شود (پایا، ۱۳۸۸، ۴۱-۴۲). این در حالی است که تلقی الگوی توسعه به مثابه نقشه راه پیشرفت، باعث توجه به ابعاد ارزشی آن می‌شود (توكلی، ۱۳۹۲).

۷. ارزش‌داوری اخلاقی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

در نظریه‌های توسعه و پیشرفت، ارزش‌داوری اخلاقی از کانال تعریف ارزش‌ها، سنجش‌نامه ارزش‌ها، رتبه‌بندی ارزش‌ها و تعیین ارزش‌های غایی و ابزاری بر برخی ابعاد نظریه توسعه از جمله شاخص‌ها و سیاست‌های توسعه اثر می‌گذارند. اگر اقتصاددانی پلورالیسم ارزشی یا نسبیت‌گرایی

ارزشی را بپذیرد، وی درباره استانداردهای رفتاری پیشنهادی در الگوی توسعه و پیشرفت، رویکردی نسبیت‌گرایانه خواهد داشت. البته این نسبیت‌گرایی در عمل با پارادوکس مواجه می‌شود و طرفداران آن را مجبور به جانبداری از یک رتبه‌بندی خاص از ارزش‌ها و اهداف توسعه خواهد کرد.

۱-۷. ارزش‌داوری آرمانی (اهداف، رتبه‌بندی اهداف، شاخص‌ها)

ارزش‌داوری آرمانی به مفهوم ارزشمند دانستن وضعیت‌ها و رفتارهای توسعه از این دونوع ارزش‌داوری می‌توان به ترتیب به ارزش‌داوری آرمانی وضعیتی و ارزش‌داوری آرمانی رفتاری یاد کرد.

الف) ارزش‌داوری آرمانی وضعیتی: در نظریه‌های توسعه و پیشرفت به صورت ضمنی ارزش‌داوری در مورد وضعیت‌های آرمانی شامل اهداف و رتبه‌بندی آن‌ها صورت می‌گیرد. خروجی این ارزش‌داوری در قالب تعریف توسعه و شاخص‌های آن ظاهر می‌شود. وضعیت مطلوب در توسعه و پیشرفت ناظر به اهدافی نهایی یا میانی است که در پی رسیدن به آن هستیم. برای نمونه، آمارتیا سن،¹ هدف غایی در توسعه را رسیدن به آزادی انتخاب آنچه افراد ارزشمند می‌دانند، معروفی می‌کند (سن، ۱۳۸۱، ص ۱۷). در تحلیل او، نوعی رتبه‌بندی ضمنی اهداف و ارزش‌ها وجود دارد. وی ارزش آزادی را حتی بالاتر از ارزش رفاه قلمداد می‌کند. در تحلیل سن، توانمند کردن افراد بر بهره‌مندی (مانند باسوساد کردن) بر توزیع امکانات (اهدافی کتاب) اولویت دارد. در نظریه پیشرفت، هدف نهایی کمال و خوشبختی انسان در سایه قرب الهی است. عدالت، رفاه و آزادی نیز در زمرة اهداف میانی پیشرفت قرار می‌گیرند. تعریف خاص اسلام از این اهداف و ارزش‌ها زمینه‌ساز معرفی شاخص‌های اسلامی همچون شاخص پیشرفت می‌شود.

هنگام تعیین اهداف توسعه، باید مشخص کرد که ارزش‌ها، اهداف و سلاطیق چه کسانی تعیین کننده است. اگر گروهی از جامعه سلاطیق گران قیمتی داشتند، آیا این سلاطیق باید مبنای برنامه‌ریزی توسعه قرار گیرد؟ اگر مدیریت توسعه به بازار و اگذار شود، ثروتمندان به واسطه داشتن تقاضای مؤثر بر مسیر تولید کالاها و خدمات اثرگذار خواهند بود؛ در مقابل، افراد فقیر ناتوان توانی برای اثرگذاری بر کالاها و خدمات تولیدی نخواهند داشت.

ب) ارزش‌داوری آرمانی رفتاری: در نظریه‌های توسعه و پیشرفت به صورت ضمنی، استاندارد رفتاری مطلوب افراد پیش‌فرض گرفته می‌شود. در رویکرد متعارف اقتصاد توسعه، عقلانیت اقتصادی ابزاری استاندارد آرمانی مطلوب در نظر گرفته می‌شود. فرض عقلانیت اقتصادی با برجسته کردن انگیزه‌های خودخواهانه در انسان، توجه چندانی به انگیزه‌های خیرخواهانه در استاندارد

رفتاری مفروض ندارد. این در حالی است که در اقتصاد پیشرفت، استاندارد رفتاری پیش‌فرض گرفته می‌شود که به همه ظرفیت‌های انگیزشی انسان توجه دارد؛ هم انگیزه‌های خودخواهانه و هم انگیزه‌های خیرخواهانه. البته این نکته نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که عقلانیت ناقص انسان وی را در معرض انتخاب‌های نادرست قرار می‌دهد؛ مشکلی که می‌تواند با توجه به محدودیت‌های شناختی، انگیزشی و ارادی انسان کاهش یابد. آنچه از آن می‌توان با عنوان عقلانیت تکامل‌یافته یاد کرد، استاندارد رفتاری مطلوب در اقتصاد اسلامی است. علم اقتصاد اسلامی ضمن تحلیل مشکلات افراد در دستیابی به این استاندارد رفتاری چگونگی نزدیک کردن افراد به این استاندارد رفتاری و نهادینه کردن اخلاق و معنویت در اقتصاد را بررسی می‌کند.

در رویکردهای هتردوکس^۱ از جمله اقتصاد رفتاری، کارآمدی فرض عقلانیت اقتصادی با تردید مواجه شده است. آنان با تجدید نظر در فرض عقلانیت کامل، امکان وجود افراد غیر عاقل به‌رسمیت شناخته شده است. نتیجه این تغییر در فرض ارزشی خود را توصیه‌های سیاستی نشان داده است. اقتصاددانان رفتاری مداخله سیاست‌گذاران برای تأثیر بر انتخاب افراد (نوعی پدرسالاری) را تجویز می‌کنند. البته این رویکرد در جریان غالب دانش اقتصاد پذیرفته نشده و رویکردی هتردوکس محسوب می‌شود.

۷-۲. ارزش‌داوری سیاستی (ساختارها و برنامه‌ها)

ارزش‌داوری سیاستی به معنای توصیه ساختارها و برنامه‌های مناسب برای دستیابی به اهداف توسعه و پیشرفت یا تقویت ساختارهای آن است.

ارزش‌داوری سیاستی ساختاری: یکی از نهفته‌ترین ارزش‌داوری‌های اخلاقی در اقتصاد توسعه، ارزش‌داوری‌های ساختاری است. در اقتصاد توسعه متعارف، ساختارهایی مانند ساختار بازار آزاد، ساختار بازار رقابتی، یا ساختار نظام بانکی ربوی پیش‌فرض گرفته می‌شوند؛ ولی در نهایت این ساختار توصیه و تجویز می‌شوند. بسیاری از این ساختارها، ساختارهای آرمانی هستند. ساختار بازار رقابت کامل یکی از این موارد است که نقشی کلیدی در تحلیل‌های اقتصاد خرد دارد. در اقتصاد اسلامی نیز ورود به تحلیل علمی بدون مفروض گرفتن ساختارها و به خصوص ساختارهای ایدئال ممکن نیست. ساختار مطلوب نهادی مورد اشاره شامل ساختارهای حقوق مالکیت، مداخله دولت، مکانیسم تخصیص منابع و شیوه توزیع و بازنمودن و ثروت می‌شود. اقتصاددانان مسلمان تمایل دارند که یک ساختار نظام بازاری اخلاقی را پیش‌فرض تحلیل‌های خود بگیرند یا به جای

فرض گرفتن یک ساختار بانکداری ربوی، وجود یک نظام بانکداری بدون ربا را پیش‌فرض بگیرند.

ارزش‌داوری سیاستی برنامه‌ای: ارزش این نوع ارزش داوری در مرحله‌ای پس از ارزش داوری ساختاری قرار دارد. در این حالت معمولاً ساختارها و استانداردهای رفتاری مفروض در نظر گرفته شده و سپس تحلیل می‌شود که چه برنامه‌ای می‌تواند به بهبود عملکرد نظام اقتصادی در دستیابی به اهداف توسعه و پیشرفت کمک کند. برای نمونه، سیاست‌های پولی و مالی به طور معمول در یک ساختار بازاری و با فرض عقلانیت فعالان اقتصادی معروفی می‌شوند. سیاست‌های فرهنگ‌سازی اقتصادی می‌توانند در چهارچوب نظریه پیشرفت با توجه به ارزش‌های اسلامی ارائه شود.

۸. مراحل ارزش‌داوری در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

برای فهم بهتر چگونگی ورود ارزش‌ها در اقتصاد توسعه و پیشرفت، تحلیل مراحل ارزش‌داوری در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت ضروری است. چرخه ورود ارزش‌ها به اقتصاد توسعه و پیشرفت از کanal فروض ارزشی به خصوص فروض اخلاقی حاکی از اهداف، اولویت‌ها و شاخص‌های توسعه و پیشرفت آغاز می‌شود (مرحله ارزش‌داوری آرمانی). سپس اقتصاددانان به تجزیه و تحلیل عوامل و موانع توسعه و پیشرفت (رابطه بین متغیرهای اقتصادی) می‌پردازند (مرحله تحلیل ارزشی). در ادامه، آن‌ها با توجه به ارزش‌داوری آرمانی صورت گرفته و تبیین‌های علمی ارائه شده، ساختارها، استراتژی‌ها و برنامه‌های مطلوب توسعه و پیشرفت را تجویز می‌کنند (مرحله ارزش‌داوری سیاستی).



شکل ۱. چرخه ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

۱-۸. فروض ارزشی

ارزش‌داوری آرمانی به طور معمول در قالب فروض ارزشی آشکار یا ضمنی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت صورت می‌گیرد. بر این اساس، چرخه ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

از فروض ارزشی آغاز می‌شود. در این مرحله، ارزش‌داوری آرمانی در زمینه اهداف توسعه، اولویت‌بندی اهداف، شاخص‌های توسعه، استانداردهای رفتاری مطلوب صورت می‌گیرد.

نظریه‌پردازان توسعه و پیشرفت هنگام بررسی گزینه‌های سیاستی نیز از ارزش‌ها متأثر می‌شوند. برای نمونه، طرفداران رویکردهای لیبرالی در اقتصاد توسعه، از بین گزینه‌های ممکن عمدتاً آزادسازی قیمت‌ها را موضوع بررسی قرار می‌دهند و گزینه‌های سیاستی دیگر را مطرح نمی‌کنند. در مرحله ارزش‌داوری سیاستی، چون سیاست‌های متفاوت بر مبنای تحلیل‌های متفاوت مطرح است، اقتصاددان باید از میان آن سیاست‌ها دست به انتخاب بزند. انتخاب سیاست مزبور تنها وابسته به تحلیل‌های ارزشی اقتصاددان نیست، بلکه به‌شكلي ضمنی از ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی او نیز اثر می‌پذیرد. نظریه‌پرداز طرفدار نظریه توسعه و طرفدار رویکرد اقتصاد بازار آزاد، تمایل دارند که سیاست‌های قیمتی را برتر از سایر سیاست‌ها بدانند؛ آن‌ها به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه سیاست‌های قیمتی را بر سیاست‌های اصلاح ساختاری و نهادی ترجیح می‌دهند. برای نمونه، اقتصاددان طرفدار نظریه بازار آزاد، پرداخت یارانه پولی را بر یارانه کالایی ترجیح می‌دهد. این ترجیح از یک سو ریشه در مکتب فکری (ارزش‌داوری معرفتی) او دارد و از سوی دیگر ریشه در اولویت‌بندی او از ارزش‌ها دارد؛ وی آزادی را ارزشی می‌داند که حتی بر ارزشی مانند رفاه هم می‌تواند مقدم باشد.

۲-۸. تحلیل ارزشی

تحلیل ارزشی در نظریه توسعه و پیشرفت در حوزه تحلیل‌های علمی مطرح می‌شود. در این سطح، نظریه‌پرداز قضاوت می‌کند که چه عواملی بر تحقق یا عدم تحقق اهداف توسعه و پیشرفت اثرگذارند. این تحلیل به‌شدت تحت تأثیر پارادایم‌های حاکم بر نظریه‌پرداز قرار دارد. برای نمونه، نظریه‌پردازی که رویکرد نئوکلاسیکی و نیوکلاسیکی در اقتصاد توسعه را پذیرفته، تمرکز عمدۀ خود را بر تحلیل اثر متغیرهایی همچون انباشت سرمایه بر رشد اقتصادی قرار می‌دهد. در تحلیل او، گذشته از اینکه اهدافی همچون ثبات و عدالت وضعیتی حاشیه‌ای دارند، تأثیر متغیرهایی همچون تقویت معنویت بر رشد اقتصادی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

در تحلیل‌های ارزشی در اقتصاد توسعه متعارف به صورت عمده، فروض رفتاری مانند عقلانیت اقتصادی مورد قضاوت ارزشی متأخر قرار می‌گیرد. تحلیل ارزشی مزبور به‌طور معمول پس از تحلیل‌های اثباتی اقتصاد خرد و کلان در چهارچوب اقتصاد رفاه صورت می‌گیرد. در اقتصاد خرد، رفتار اقتصادی در چهارچوب یک بازار ایدئال رقابتی و با فرض عقلانیت اقتصادی

۳-۸. توصیه ارزشی

پس از قضاوت ارزشی نوبت به توصیه ارزشی می‌رسد. در این مرحله، اقتصاددان توسعه و پیشرفت به سمت ارائه توصیه‌های سیاستی ساختاری و برنامه‌ای می‌روند. بسته به اینکه اقتصاددان چه پاسخی به سؤال در مورد کارکرد نظام اقتصادی در فرایند توسعه و پیشرفت بدهد، قضاوت و توصیه ارزشی او متفاوت خواهد بود.

خروجی استدلال در رویکردهای اقتصاد توسعه متعدد این است که تعادل حاصل از نظام بازار آزاد بهترین خروجی است؛ چراکه اضافه رفاه کل بیشینه می‌شود. این رویکرد سیاستی با مشاهده موارد متعدد شکست بازار با تردید مواجه شده و اقتصاددانان مداخله دولت در برخی موارد همچون تولید کالاها و خدمات عمومی، مواجهه با پیامدهای بیرونی منفی و همچنین مداخله در زمینه تأمین اجتماعی را پذیرفته‌اند. این رویکرد زمینه معرفی و پذیرش سیاست‌های پولی و مالی برای بهبود عملکرد بازار آزاد را فراهم کرده است.

تحلیل اقتصاددانان مسلمان از ناکارآمدی بازار در تأمین اهداف پیشرفت اقتصادی مورد نظر اسلام، و لزوم استفاده از ظرفیت اخلاق و دولت، اقتصنایات سیاستی خود را دارد. در این رویکرد، سیاست اقتصادی منحصر در سیاست پولی و مالی نیست، بلکه سیاست‌های فرهنگ‌سازی اقتصادی نقشی بسیار مهم دارند. سیاست فرهنگ‌سازی اقتصادی با هدف غلبه بر مشکلات عقلانیت ناقص بشر و تلاش برای جهت‌دهی به ترجیحات و هنجارهای اجتماعی صورت می‌گیرد. در این راستا، خداوند متعال از پیامبر خود می‌خواهد که از افراد زکات دریافت کند تا بدین وسیله آن‌ها را ترکیه و تربیت اخلاقی کند. این بدان معناست که حتی هدف از سیاست مالی در اقتصاد اسلامی نیز صرفاً تأمین مخارج مالی دولت اسلامی نیست، بلکه هدف انسان‌سازی و تربیت اخلاقی او می‌باشد (تبوه، ۱۰۳).

۹. تمایزات ارزشی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت و کارکرد آن

تمایز در رویکردهای ارزشی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر تمایز نظریه‌های توسعه و پیشرفت از جمله تغییر در اولویت‌های پژوهشی و واقع‌نمایی نظریه‌ها باشد و همچنین بر ابعاد محتوایی همچون شاخص‌ها، ساختارها و برنامه‌های توسعه و پیشرفت اثرگذار باشد.

۹.۱. محورهای تمایز ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

همان‌گونه که بیان شد، تمایز ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌تواند از ناحیه ارزش‌داوری معرفتی، مبانی ارزشی، تحلیل ارزشی با ارزش‌داوری اخلاقی رخ دهد. در جدول ۳ برخی از جلوه‌های بروز و ظهور ارزش‌داوری‌ها در نظریه‌های توسعه و پیشرفت نمایش داده شده است.

جدول ۳. تمایز ارزش‌ها در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

نوع ارزش‌داوری	تمایز ارزشی در نظریه پیشرفت
ارزش‌داوری معرفتی	تمایل به ارزش‌ختابی، فرمائیسم، ریاضی‌زدگی، میارهای نظریه مقبول
مبانی ارزشی	مفهوم احستی از ته‌بندی ارزش‌ها
اخلاقی	رابطه ارزش با ارزش‌های اخلاقی
ارزش‌داوری	ارزش‌داوری

اول: تمایز در ارزش‌داوری‌های معرفتی

ارزش‌داوری‌های معرفتی رایج در اقتصاد توسعه، زمینه‌ساز گریز نافرجام از ارزش‌باری نظریه‌ها

و الگوهای توسعه بوده است. با پذیرش ارزش‌باری نظریه‌های توسعه توسط متفکرانی همچون میرال و اقتصاددانان نهادگرا، زمینه برای توجه به ارزش‌ها در تحقیقات اقتصاد توسعه فراهم شده است؛ هرچند که چنین مطالعاتی محوری نیست. در مقابل، پذیرش ارزش‌باری نظریه پیشرفت، باعث توجه بیشتر به مباحث ارزشی در نظریه‌پردازان شده است.

دوم: تمایز در مبانی ارزشی

مبانی ارزشی یا فرض ارزشی روى نظریه‌های توسعه و پیشرفت اثر می‌گذارد. مبانی ارزشی نسبی گرایانه و پلورالیستی رایج در نظریه‌های توسعه باعث پارادوکس‌هایی در نظریه‌های رایج توسعه شده است. در این نظریه‌ها از یکسو ارزش‌های بومی به رسمیت شناخته شده است. در مقابل، بر ارزش‌های نوسازی (ارزش‌های لیبرالیستی) تأکید شده و مصدق عقلانیت محسوب می‌شود. در نظریه‌های پیشرفت اقتصادی، پذیرش واقع‌گرایی ارزشی نه تنها باعث گریز از نسبیت‌گرایی ارزشی و پارادوکس‌های ناشی از آن می‌شود، بلکه بر واقع‌نمایی نظریه پیشرفت می‌افزاید.

سوم: تمایز در تحلیل‌های ارزشی

نظریه‌های توسعه و پیشرفت از نظر تحلیل‌های ارزشی در علم توسعه و پیشرفت نیز تمایز ندارند. در نظریه‌های متداول توسعه، متغیرهای ارزشی نقشی حاشیه‌ای در تحلیل عوامل و موانع توسعه بازی می‌کنند. در این نظریه‌ها با توجه بیش از حد به عواملی همچون انباست فیزیکی ثروت مادی، متغیرهایی همچون فرهنگ و مذهب به‌شكلی حاشیه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرند.

چهارم: تمایز در ارزش‌داوری‌های اخلاقی

در میان موارد مورد اشاره، نقش ارزش‌داوری‌های اخلاقی در تمایز ارزشی نظریه‌های توسعه و پیشرفت از اهمیت بیشتری برخوردار است. تمایز در ارزش‌داوری‌های اخلاقی در نظریه توسعه و پیشرفت در قالب تغییر در ارزش‌داوری‌های آرمانی وضعیتی و رفتاری ظهور می‌کند. این نوع ارزش‌داوری‌ها باعث تغییر در شاخص‌های پیشرفت نسبت به شاخص‌های توسعه و همچنین ساختارها و برنامه‌های پیشنهادی برای تغییر شاخص‌هast.

۲-۹. کارکرد تمایزات ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

تمایزات ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌تواند به گونه‌های مختلف بروز و ظهور کند؛ از

آن جمله می‌توان به تغییر در اولویت‌های پژوهشی، تعمیق تحلیل‌های علمی، تغییر در شاخص‌ها و سیاست‌گذاری (اصلاحات ساختاری و برنامه‌ای) توسعه و پیشرفت اشاره کرد.

اول: تغییر در اولویت‌های پژوهشی در اثر تمایز در ارزش داوری معرفتی
ارزش داوری معرفتی می‌تواند در تعیین اولویت‌های پژوهشی اقتصاد توسعه و پیشرفت و جهت‌گیری آن اثرگذار باشد. برای نمونه، برای محقق اقتصاد پیشرفت تجزیه و تحلیل مقولاتی همچون معنویت و اخلاق در اولویت قرار می‌گیرد. همچنین تأکید بر نقش اقتصاد اسلامی در اصلاح واقعیت فاسد اقتصادی به جای اتخاذ رویکرد اثبات‌گرایانه در تبیین واقعیت موجود، باعث توجه بیشتر به تحلیل قانونمندی‌های تحول در اقتصاد پیشرفت می‌شود. در این چهارچوب مطالعاتی همچون تحلیل تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه (صدر، ۱۴۰۰، ص ۳۳۳) و تحلیل مکانیسم تسویه اخلاقی به عنوان کارکرد دست نامرئی اخلاق در تسهیل پیشرفت اقتصادی مطرح شده است (Chapra, 2014: P.46).

دوم: تقویت واقع‌نمایی تحلیل‌های علمی اقتصاد توسعه و پیشرفت با اصلاح مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی

تغییر در مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی محققان و افزایش واقع‌نمایی آن می‌تواند به واقع‌نمایی تحلیل‌های علمی اقتصاد توسعه و پیشرفت کمک کند. برای نمونه، تغییر مبانی هستی‌شناختی نظریه‌پرداز اقتصاد پیشرفت و توجه به امور متافیزیکی فرامادی و در نتیجه توجه به ارزش معنویت در مبانی ارزش‌شناختی نظریه‌پیشرفت اسلامی و تعریف آن با توجه به ارزش‌های فرامادی، باعث می‌شود که تحلیل‌های عمیقی از نقش معنویت در پیشرفت اقتصادی صورت گیرد (اعراف، ۹۶). این تحلیل زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌پیشرفت معنویت محور را فراهم می‌کند. برای نمونه، محقق اقتصاد پیشرفت اسلامی، تعلیم و تربیت اقتصادی بر اساس عقلانیت متعالی را ابزار خوبی برای نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی کسب‌وکار دانسته و الزامی کردن دوره‌های اخلاق کسب‌وکار برای فعالان اقتصادی را ابزار خوبی برای تحقق ارزش‌های اسلامی در فضای کسب‌وکار و تسریع پیشرفت اقتصادی می‌داند. در ادبیات جدید اقتصاد رفتاری به‌شکلی آشکار زمینه ورود به بحث از جهت‌دهی ترجیحات با توجه به مشکلات عقلانیت اقتصادی بشر و استفاده از تلنگرها مورد توجه قرار گرفته است؛ چیزی که در فضای گفتمان اسلامی در قالب امر به معروف و نهی از منکر شناخته می‌شود (توكلی، ۱۴۰۰، الف).

سوم: تغییر در شاخص‌ها، ساختارها و برنامه‌ها در نتیجه تغییر در ارزش‌داوری موقعیتی ارزش‌داوری اخلاقی در قالب تعریف آرمان‌های وضعیتی و رفتاری توسعه و پیشرفت، باعث تمايز در تعریف، اهداف و شاخص‌های توسعه و پیشرفت و همچنین تعیین ساختارها و برنامه‌های مطلوب برای دستیابی به آن می‌شود. برای نمونه، تعریف اسلام از عدالت و پذیرش دو معیار کار و نیاز به عنوان دو منشأ استحقاق، پذیرش مستولیت برای عموم مردم و دولت نسبت به فقر زدایی، پذیرش توازن به عنوان هدفی اساسی در فرایند پیشرفت اقتصادی، نه تنها به تغییر در شاخص‌های پیشرفت عادلانه می‌انجامد، بلکه مستلزم ایجاد ساختار پشتیبان تکافل اجتماعی، حقوق مالکیت و گسترش توازن و کاهش شکاف طبقاتی است (صدر، ۱۴۰۰، ص ۳۴۸). این رویکرد می‌تواند حتی شاخص‌های پیشرفت را نیز تحت تأثیر قرار دهد. برای نمونه، توجه به هزینه‌های فرهنگی و اخلاقی تولید در کثار هزینه‌های زیست‌محیطی آن، زمینه معرفی شاخص تولید و رشد طیب در اقتصاد پیشرفت را فراهم می‌کند؛ شاخصی که ارزش کالاها و خدمات حلال و طیب را می‌سنجد (توكلی و شفیعی نژاد، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۸). توجه به معنویت و اخلاق زمینه معرفی شاخص متمايزی برای توسعه انسانی می‌شود که در آن هدف پیشرفت یک جامعه اسلامی، تربیت افرادی آگاه، سالم، پردرآمد و اخلاقگرا در مسیر عبودیت خداوند است (توكلی، ۱۳۹۰). این رویکرد الزامات متفاوتی برای راهبردهای پیشرفت حتی در مواردی همچون معماری بازار اسلامی‌آمایش جمعیت دارد.

چهارم: تغییر در برنامه‌ریزی پیشرفت در اثر تغییر در ارزش‌داوری رفتاری در تحلیل‌های اقتصاد توسعه متعارف، عقلانیت به عنوان یک فرض اثباتی معرفی می‌شود؛ عقلانیت یک استاندارد رفتاری است؛ نوعی ارزش و هنجار است که تلقی آن به عنوان تنها هنجار مقبول مخدوش است. مشخص نیست «چرا باید عقلانی بودن منحصراً تعقیب نفع شخصی به معنای حذف تمام دیگر اهداف تعریف شود؟» (سن، ۱۳۷۷، ص ۱۲-۱۷). این مشکل در کثار نگاه کمال‌گرایانه به عقلانیت باعث عدم توجه به محدودیت‌های شناختی، انگیزشی و ارادی افراد در انتخاب‌ها در مسیر پیشرفت می‌شود. در اقتصاد پیشرفت، ارائه تعریف متعالی از عقلانیت و توجه به محدودیت‌های بشر در انتخاب عقلایی، زمینه‌ساز بر جسته‌سازی راهبردهای اخلاقی پیشرفت و طرح برنامه‌هایی برای تهذیب فعلان اقتصادی برای دستیابی به عقلانیت معنی می‌شود؛ مقوله‌ای که نیازمند تعلیم و تربیت اقتصادی عاملان اقتصادی است (توكلی، ۱۴۰۰).

نتیجه‌گیری

میردال، از نظریه‌پردازان توسعه، در برهه اول زندگی علمی خود تلاش کرد بر لزوم ارزش ختنایی نظریه‌های اقتصاد توسعه پافشاری کند. وی در این تلاش ناکام ماند و در برهه دوم زندگی علمی اش، از این دیدگاه دست برداشت و تنها تصریح به ارزش‌های پذیرفته شده در نظریه‌ها را توصیه کرد. ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت را می‌توان با تفکیک بین مبانی ارزشی در برابر ارزش‌ها، تحلیل ارزشی در برابر ارزش داوری، ارزش داوری معرفتی در برابر ارزش داوری اخلاقی (آرمانی و سیاستی) توضیح داد. ارزش داوری معرفتی حاکی از جهت‌گیری معرفتی محققان اقتصاد توسعه و پیشرفت است که انتخاب موضوع، رویکرد و روش تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ارزش داوری اخلاقی نیز در قالب تعریف توسعه و پیشرفت، اهداف آن، اولویت‌بندی آن اهداف، شاخص‌های اقتصادی، و همچنین ترسیم رفتارهای آرمانی صورت می‌گیرد. ارزش داوری ساختاری ناظر به ساختارهای مطلوب از جمله ساختار حقوق مالکیت و مداخله در اقتصاد است. ارزش داوری سیاستی نیز حاکی از توصیه برنامه‌ها و اقداماتی برای بهبود عملکرد نظام اقتصادی در راستای توسعه و پیشرفت است.

ارزش داوری در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت با ارزش داوری معرفتی آغاز می‌شود. تلقی اقتصاددانان از معرفت مطلوب در تعیین موضوع تحقیق، روش و جهت‌گیری آن مؤثر است. محقق اقتصاد پیشرفت اسلامی به واسطه اهمیت دادن به بعد معنوی حیات بشر، به بررسی اموری همچون نقش معنویت و اخلاق در پیشرفت اقتصادی اولویت می‌دهد. این رویکرد باعث توجه به راهبردهای تقویت معنویت در برنامه‌ریزی پیشرفت اقتصادی و بر جسته شدن برنامه‌هایی همچون تعلیم و تربیت اقتصادی و آموزش اخلاق کسب و کار می‌شود. این در حالی است که در رویکردهای نسبیت‌گرایانه رایج در اقتصاد توسعه، در موارد زیادی، نظریه‌پردازی در خدمت تبیین و تثبیت رویه‌های موجود در تعییر ارزش‌ها و سلایق به نفع ارزش‌های مادی‌گرایانه قرار دارد. در این مسیر، نظریه‌پردازان اقتصاد توسعه گاه دچار نوعی پارادوکس می‌شوند؛ آن‌ها از یک سو توع فرهنگی در مسیر توسعه را می‌پذیرند و از سوی دیگر بر لزوم نهادینه کردن ارزش‌های نوسازی و مدرنیسم تأکید دارند.

نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت م牲من ارزش داوری اخلاقی (آرمانی و سیاستی) نیز هستند. فروض اخلاقی در قالب تعیین اهداف توسعه و پیشرفت اقتصادی، تعریف این اهداف و اولویت‌بندی آن‌ها، طراحی شاخص‌های اقتصادی و همچنین استانداردهای رفتاری عاملان اقتصادی بر نظریه‌های اقتصاد پیشرفت اثر می‌گذارند. در بسیاری از نظریه‌های رایج

اقتصاد توسعه، آزادی به عنوان ارزشی ذاتی تلقی می‌شود که حتی توسعه و شاخص‌های آن در چهارچوب این ارزش محوری تعریف می‌شود. این در حالی است که در رویکرد اقتصاد پیشرفت، ارزش آزادی و سایر ارزش‌های اقتصادی ارزشی ابزاری است و در خدمت ارزش بالاتر تکامل انسان در سایه قرب ربوی قرار می‌گیرد. تعیین سه هدف عدالت، امنیت و رشد برای پیشرفت اقتصادی مورد نظر اسلام، تعریف خاص این اهداف و همچنین اولویت‌بندی آن‌ها در مباحث اقتصاد پیشرفت اسلامی، نه تنها حاوی ارزش‌داری اخلاقی است، بلکه معنکس‌کننده رویکرد پذیرفته‌شده اقتصاددانان مسلمان به مفهوم ارزش و سلسه‌مراتب آن است. این نوع ارزش‌داری اخلاقی در قالب شاخص‌های پیشرفت اقتصادی نیز ظهر و بروز می‌کند و برای نمونه زمینه معرفی شاخصی همچون شاخص تولید طیب را فراهم می‌کند که متمایز از شاخص تولید ناخالص داخلی متعارف است. فروض ناظر به استانداردهای مطلوب رفتاری نیز نظریه‌های اقتصاد اسلامی را با ارزش‌داری اخلاقی ضمنی رو به رو می‌کنند. اقتصاددانان مسلمان با مفروض گرفتن عقلانیت تکامل یافته با اخلاق و معنویت، فرمول‌بندی متفاوتی در رفتارشناسی اقتصادی در علم اقتصاد پیشرفت اسلامی خواهد داشت.

ارزش‌داری در اقتصاد توسعه و پیشرفت تنها در قالب ارزش‌داری آرمانی صورت نمی‌گیرد. پس از قبول ارزش‌های آرمانی، نوبت به ارائه توصیه‌های اصلاح ساختاری و برنامه‌ای در مسیر توسعه و پیشرفت می‌رسد. این توصیه‌های ساختاری شامل مواردی همچون اصول و قواعد حاکم بر حقوق مالکیت، میزان آزادی اقتصادی و مسئولیت‌های دولت اسلامی است. توصیه‌های ساختاری مزبور حاوی نوعی ارزش‌داری ابزاری است؛ بدین مفهوم که تحقق این اهداف ابزاری برای دستیابی به آرمان‌های نظام اقتصادی اسلام همچون عدالت، امنیت و رشد اقتصادی قلمداد می‌شود.

ورود ارزش‌ها در نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌تواند موجب تغییر در اولویت‌های پژوهشی، تعمیق واقع‌نمایی نظریه‌ها، تغییر شاخص‌ها، ساختارها و برنامه‌های پیشنهادی توسعه و پیشرفت شود. بسیاری از رویکردهای نظری در اقتصاد توسعه متعارف به واسطه پذیرش مبانی هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی نادرست یا ناقص، نه تنها از فهم کامل واقعیت بیرونی عاجز مانده، بلکه زمینه‌ساز مداخلاتی در واقعیت شده‌اند که انسان را از مسیر پیشرفت واقعی منحرف کرده است. در دانش اقتصاد پیشرفت اسلامی، اتخاذ رویکردی متعالی به عقلانیت اقتصادی زمینه‌ساز توجه به اخلاق و معنویت در تعریف انسان عقلایی مطلوب می‌شود. این رویکرد زمینه‌ساز نظریه‌پردازی در زمینه چگونگی ارتقای عقلانیت عاملان اقتصادی در جامعه اسلامی با استفاده از ابزارهایی همچون

تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی می‌شود. علم اقتصاد پیشرفت اسلامی با در نظر گرفتن کارکرد اخلاق و نهادهای اخلاقی در اقتصاد اسلامی، به معرفی مکانیسم تسویه اخلاقی در کنار مکانیسم بازار می‌پردازد. این رویکرد زمینه گسترش مباحث اقتصاد نهادی اسلامی و تجزیه و تحلیل کارکرد نهادهای اسلامی در مسیر پیشرفت اقتصادی را فراهم می‌کند. تحلیل کارکرد نهادهایی همچون صدقات، و زکات در رفتارسازی اقتصادی از جلوه‌های برجسته مباحث مزبور است.

کتابنامه

۱. آدلمن، ایرما. ۱۳۸۲. «مغالطه‌های نظریه توسعه و پیامدهای آن‌ها برای سیاست». تدوین: جرالد مایر و جوزف استیگلیتز. در پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز. تهران: نشر نی. ص ۱۳۵-۱۶۸.
۲. باسو، کائوشیک. ۱۳۸۲. «درباره اهداف توسعه». تدوین: جرالد میر و جوزف استیگلیتز. در پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز. تهران: نشر نی. ص ۸۷-۱۱۶.
۳. پایا، علی. ۱۳۸۸. «آیا الگوی توسعه ایرانی - اسلامی دست‌یافتنی است؟». روش‌شناسی علوم انسانی. ش ۶۰. ص ۳۱-۶۰.
۴. توکلی، محمد جواد. ۱۳۹۰. «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی». معرفت اقتصادی. ش ۴. ص ۳۱-۵۶.
۵. _____. ۱۳۹۲. «امکان‌پذیری الگوی متمایز اسلامی - ایرانی پیشرفت». مجموعه مقالات نخستین همایش ملی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. _____. ۱۴۰۰. الف. «چشم‌اندازهای نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد اسلامی». مطالعات اقتصاد اسلامی. ش ۲۶. ص ۱۸۱-۲۱۰.
۷. _____. ۱۴۰۰. ب. «چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی». معرفت اقتصاد اسلامی. ش ۲۴. ص ۱۱۱-۱۳۶.
۸. _____. ۱۳۹۷. نه. فقط به خاطرپول؛ تبیین هزینه‌های مخفی پاداش و جریمه: از روان‌شناسی تا اقتصاد. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۹. توکلی، محمد جواد؛ ایمان رفیعی پیشوری. ۱۳۹۹. «نگاهی نظام‌مند به ورود ارزش‌های اسلامی در نظریات اقتصادی». اقتصاد اسلامی. ص ۲۵-۲۴.
۱۰. توکلی، محمد جواد؛ عباس شفیعی نژاد. ۱۳۹۱. «شاخص تولید خالص داخلی طیب». معرفت اقتصاد اسلامی. ش ۶. ص ۲۹-۵۴.
۱۱. _____. ۱۳۹۸. شاخص تولید طیب. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۱۲. دایکما، اوگن. ۱۳۹۲. «هیچ دیدگاهی بدون دیدگاه قبلی (پیش‌ذهنیت) نیست». مترجم: محمود متولی. در توسعه اقتصادی؛ مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی. تهران: سمت. ص ۴۱۷-۴۴۲.

۱۲. زرقا، محمد انس. ۱۳۸۲. «روشناسی اقتصاد اسلامی». *اقتصاد اسلامی*. ش. ۱۰. ص ۱۱۳-۱۴۲.
۱۳. زریاف، سید مهدی. ۱۳۸۷. «نقدی بر ماهیت علم اقتصاد با رویکرد ارزشی». *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*. ش. ۴۶. ص ۶۱-۳۳.
۱۴. سبحانی، حسن. ۱۳۷۰. «چگونگی و ارتباط و درجه بستگی علم اقتصاد با قضاوت‌های ارزشی». *مجلة تحقیقات اقتصادی*. ش. ۴۴. ص ۶۵-۳۶.
۱۵. سبحانی، حسن. ۱۳۷۷. *اخلاق و اقتصاد*. مترجم: ح. فشارکی. تهران: شیرازه.
۱۶. سن، آمارتیا. ۱۳۷۷. *رائو و یجندر؛ مایکل والتون*. در: *فرهنگ و کنش عمومی*. مترجم: علی بختیاری‌زاده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه عمومی.
۱۷. ———. ۱۳۷۸. «چرا فرهنگ اهمیت دارد؟». *رائو و یجندر؛ مایکل والتون*. در: *فرهنگ و کنش عمومی*. مترجم: علی بختیاری‌زاده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه عمومی.
۱۸. ———. ۱۳۸۱. *توسعه به مثابه آزادی*. تهران: دستان.
۱۹. صدر، سید محمد باقر. ۱۴۰۰ق. *اقتصادنا*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۰. فوکویاما، فرانسیس. ۱۳۸۳. «سرمایه اجتماعی». *تدوین لارنس هریسون و ساموئل هانتینگتون*. در: *اهمیت فرهنگ*. تهران: امیرکبیر. ص ۲۰۵-۲۲۳.
۲۱. مصباح‌یزدی، محمد تقی. ۱۳۸۸. *فلسفه اخلاق*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۲. مک‌لاب، فریتز. ۱۳۸۱. «اقتصاد اثباتی و دستوری». *نامه مفید*. ش. ۳۱. ص ۱۵۱-۱۸۴.
۲۳. هانتینگتون، ساموئل. ۱۳۸۳. «پیشگفتار: اهمیت فرهنگ‌ها». *تدوین لارنس هریسون و ساموئل هانتینگتون*. در: *اهمیت فرهنگ*. تهران: امیرکبیر. ص ۲۷-۳۲.
۲۴. یغمائی، ابوتراب. ۱۳۹۴. «نقش ارزش‌های غیرمعرفتی در ارزیابی معرفتی نظریه‌های علمی». *راهبرد فرهنگ*. ش. ۳۲. ص ۴۸-۳۱.
۲۵. یوسفی، محمد رضا. ۱۳۷۵. «ارزش‌ها و علم اقتصاد». *نامه مفید*. ش. ۶.
26. Bicchieri, Cristina. 2005. **Grammar of Society: The Nature and Dynamics of Social Norms**. Cambridge: Cambridge University Press.
27. Chapra, Mohammad U. 1992. **Islam and the Economic Challenge**. Beltsville: Amana Publications.
28. ———. 2014. **Morality and Justice in Islamic Economics and Finance**. Edward Elgar.

29. Dykema, Eugene R. 1986. "No view without a viewpoint: Gunnar Myrdal". **World Development**, 14(2): P.147163_.
30. Eriksson, Lina. 2015. "Social Norms Theory and Development Economics". **Policy Research Working Paper**. No. 7450. World Bank.
31. Goulet, Denis. 1981. "In Defense of Cultural Rights: Technology, Tradition and Conflicting Models of Rationality". **Human Rights Quarterly**. 3(4): P.1-18.
32. Myrdal, Gunnar. 1965. "United Nations, Agriculture, and the World's Economic Revolution". **Journal of Farm Economics**, 47(4): P.889.899_
33. _____. 1968. **Asian Drama: An Inquiry into the Poverty of Nations**. New York: Pantheon.
34. _____. 1970. **The Challenge of World Poverty**. New York: Pantheon.
35. _____. 1972 "How Scientific are the Social Science". **Journal of Social Issues**, 28(4): P.151.170_
36. North, Douglass. 1993. "The New Institutional Economics and Development". University Library of Munich, P.1.7_
37. Stenmark, Mikael. 2005a. "A Religiously Partisan Science? Islamic and Christian Perspectives". **Theology and Science**, 3(1): P.23.38_
38. _____. 2005b. "A Counter_Response on A Religiously Partisan Science". **Theology and Science**, 3(1): P.92.95_
39. Williamson, Oliver. 2000. "The New Institutional Economic: Taking Stock, Looking Ahead". **Journal of Economic Literature**. XXXVIII. P.595.613_